

شرعی بر جلوه‌های

رفتاری امام خمینی (ره)

با

کودکان و نوجوانان

محمد رضا مطهری

بازیگوشی کودکان
حمایت از آزادی و آمریت کودک خردسال
در حدی که به خود کودک و دیگران زیان
نرساند نه تنها نکوهیده نیست بلکه از
دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی مطلوب و
پسندیده نیز می‌باشد. لهذا نباید از شیطنت
و عدم رعایت نظم و طاعت از ناحیه
کودک خردسال، نگران بود.

رسول گرامی اسلام حضرت
محمد ﷺ، همین نکته را به پدران و
مادران یادآور می‌گردد که اگر در فرزند
خردسال خود حالاتی خارج از حدود نظم
و نزاکت و بیرون از مرز طاعت و انقیاد و
بالاخره طغیان و سرگشی کودکانه مشاهده
کردند باید نسبت به آینده او شادمان گردند،
زیرا وجود حالت فعال و جوشان در کودک
خردسال، نمایانگر فزونی خرد و اندیشه و
کابرد پیش‌تر و فزاینده آن در بزرگ سالی
اوست. (۱)



■ نوه‌های آقا همه

شلوغ بودند، امام علیه السلام

به دختر من که از

شیطنت بچه خود گله می‌کرد

می‌گفتند: من حاضر می‌تولایی

که تولد تحمل شیطنت حسین

می‌بری، با ثواب تمام

عبادت خود عوض کنم.

شیطنت کند و بچه‌ای که یک گوشه بیفتد و بخواهد، چهار زانو بنشیند، این بچه نیست بزرگسال است، بچه نباید بنشیند و اگر یک جا نشست شما باید ببینید چرا نشسته و اگر خوابید ببینید چرا خوابیده. بچه باید شیطنت کند»^(۵) رام و مطیع بودن و آرام و ساکت بودن کودک خردسال نباید به خاطر این که والدین در سایه چنین حالتی در کودکانشان، از آرامش و آسایش بیش‌تری برخوردار می‌گردند این تصور را در آنها به وجود آورد که کودک خردسال آنها واجد سلامت و شخصیت مطلوبی می‌باشد، بلکه چنین کودکی یا بیمار است و یا این که سرانجام شخصی خواهد شد که سکوت و سازش و طاعت و تسلیم در برابر هر حق و ناحق، شیوه او خواهد گشت و چنین شخصی هرگز نمی‌تواند حقوق خود را از محیط خویش بگیرد.^(۶) و نیز روایت شده

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ زِيَادَةُ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ»^(۲)؛ شیطنت و لجاجت کودک به هنگام خردسالی نشانه زیادی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.

و یا صالح بن عقبه روایت می‌کند که من از عبد صالح امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که فرمود: «يُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ. ثُمَّ قَالَ: لَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ هَكَذَا»^(۳) شایسته است، کودک به هنگام خردسالی، بازیگوش و پرتلاطم و متمرّد باشد تا در بزرگسالی، صبور و شکیب گردد. سپس آن حضرت فرمود: سزاوار است که کودک خردسال منحصرأ این چنین بوده و بازیگوش و پرجنب و جوش باشد.

اگر بازیگوشی و بازی طلبی کودک، سرکوب نشود و بتواند به وسیله بازی‌های متنوع، جسم و جان خود را شاداب و پرنشاط سازد، در بزرگسالی از آدم‌های عصبی و تندخو و زود رنج و غیر طبیعی، نخواهد بود، بلکه آدمی معتدل و متین و توانمند خواهد بود.^(۴)

امام خمینی علیه السلام نیز که آشنا به روحیات، حالات و مراحل رشد کودکان بودند درباره شیطنت و بازیگوشی بچه‌ها می‌فرمودند: «بچه شیطان است، او باید

است که زیرک‌ترین کودکان، کودکانی هستند که از مدرسه و محل درس‌گریزانند، یعنی بازیگوش هستند.^(۷) مجلسی دوم در ذیل این روایت، «عرامة» را به بد اخلاقی و شیطنت و بالاخره شدت علاقه کودک به بازی و فرار از مدرسه تفسیر کرده و اضافه می‌کند که این حالت در کودکان نشانه عقل و استقامت آن‌ها در بزرگسالی است و باید کودک این چنین باشد. اما اگر کودکی مطیع و بی‌جنب و جوش و به اصطلاح خوش اخلاق، آرام، سر به زیر و مانند بزرگسالان عمل نماید، در بزرگسالی کم‌هوش و کم‌استقامت است. چنان‌که این امر نیز به تجربه رسیده است.^(۸)

دکتر فریده مصطفوی درباره نوه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام چنین می‌گوید:

«نوه‌های آقا همه شلوغ بودند، امام علیه السلام به دختر من که از شیطنت بچه خود گله می‌کرد می‌گفتند: من حاضرم ثوابی که تو از تحمل شیطنت حسین می‌بری، با ثواب تمام عبادات خود عوض کنم.»^(۹) و باز در همین رابطه خانم فرشته اعرابی نقل می‌کند: «گاهی اوقات که من نزد امام علیه السلام می‌رفتم و پسر را نمی‌بردم، می‌گفتند حسین را نیاوردی؟ می‌گفتم چون پسر من خیلی شیطونی و بدی می‌کند. می‌گفتند حسین بدی می‌کند؟ خوب بچه باید بدی

کند، تازه این‌ها بدی نیست، بچه باید این کار را بکند، شما اشتباه می‌کنید، مگر بچه بدی می‌کند؟ می‌گفتم آخر فکر می‌کنم شما اذیت می‌شوید. می‌گفتند من از این‌که شما بیایید و بچه‌هایتان را نیاورید، اذیت می‌شوم.»^(۱۰)

بنابراین طبق تعلیم و تربیت اسلام هیچ پدر و مادری حق ندارد روح بازی‌گوشی (شیطنت) و سرپیچی از اطاعت در دوران خردسالی کودک را دراو سرکوب کند و به خاطر تأمین آرامش و



آسایش خاطر خویش کودکان سرشار و
 لبریز از نشاط و جنب و جوش را به
 موجودی مطیع، آرام، خموده و افسرده دل
 مبدل سازند. والدین نباید ظرفیت‌ها و
 استعدادهای کودکان خویش را که از طریق
 همین بازی‌های متنوع و بچه‌گانه به ظهور
 می‌رسند، به خاطر آرامش و آسایش
 خویش سرکوب نمایند. علمای تعلیم و
 تربیت، خصوصاً نظریه‌پردازان
 روان‌شناسی بازی به این نتیجه رسیده‌اند
 که بازی‌ها و تحرکات بچه‌گانه، موجب
 رشد و پرورش قوای جسمانی، عقلانی،
 روانی، اجتماعی و اخلاقی کودکان
 می‌باشد. بنابراین وظیفه والدین است که با
 غنا بخشیدن به محیط تربیتی کودک
 زمینه‌ای را فراهم نمایند تا استعدادهای
 بالقوه و خدادادی کودک شکوفا گردد.
 راجرز دربارهٔ نیاز کودک به کنجکاوی و
 کشف اشیا معتقد است که: کودک در درون
 خود این استعداد و ادراک را دارد که در
 مورد اشیا و چگونگی کارکرد آن‌ها
 کنجکاوی داشته باشد، به همین دلیل
 اسباب بازی‌هایش را می‌شکند و
 می‌خواهد درون اسباب‌بازی‌هایش را
 کشف کند و داخل آن را ببیند، این‌گونه
 فعالیت‌ها برای کودک بسیار رضایت
 بخش است چون به نیاز درونی پاسخ می‌دهد.

متأسفانه گروهی از والدین پاسخ‌هایی
 به کودک می‌دهند که با نیاز وی به
 کنجکاوی و میل به کشف اشیا در تضاد
 است، این پیام‌ها به صورت کلامی (توبه
 هستی، اگر این‌گونه عمل کنی دوستت
 نداریم و...) یا غیر کلامی (اخم کردن، رو
 ترش کردن، لب‌گاز گرفتن و...) ابراز
 می‌شوند.

کودک به خاطر تهدید و تحمیق‌هایی
 که از سوی والدین می‌شود، از نیاز به
 کنجکاوی و کشف اشیا به خاطر این‌که
 نیاز اساسی تری مثل محبت و توجه مثبت
 والدین را از دست ندهد، صرف‌نظر
 می‌کند. این‌جا مسأله سرآغاز تحریف از
 مسیر رشد فطری و طبیعی کودک است، که
 آثار مخرب و زیان‌باری بر روی سلامت
 روان و رشد تشخیصی کودک خواهد گذاشت.
 متأسفانه عده‌ای از والدین کودکانی را
 می‌پسندند که ساکت، آرام و مطیع باشند.
 این‌گونه والدین دوست دارند کودک
 خردسال آن‌ها، بزرگ‌سالی کوچک شده
 باشد، غافل از این‌که، کودک است با تمام
 ویژگی‌های کودکی و هرگز بزرگ‌سالی
 کوچک شده نیست. کودک سالم از سلامت
 جسمی، ذهنی، عاطفی و روانی کافی
 برخوردار است، به طور طبیعی نیازهایی
 دارد که او را از بزرگ‌سالان جدا می‌کند؛ او



باید یاد بگیرد که به دیگران صدمه نزند، حیوانات را نیازارد، برای همسایگان مزاحمت ایجاد نکند، در پارک‌ها گل‌ها را پرپر نکند و... تجربه نیز نشان داده است که این‌گونه کودکان فعال و با نشاط و پرتحرک، اگرچه در دوران خردسالی برای والدین خود مشکلات و ناراحتی‌هایی ایجاد می‌کنند، اما در بزرگسالی از هوش و استقامت بیش‌تری برخوردارند. (۱۱)

طبق تحقیقی که توسط موسن و ساسمن (۱۹۸۰) و مرات بارت و دری بری (۱۹۸۱) انجام شده کودکانی که پرجنب و جوش و بی‌قرار هستند وقتی که بزرگ شدند و به مدرسه رفتند لزوماً بچه‌های شیطان و جنجال برانگیز نخواهند بود. (۱۲)

پیام‌ها و نتایج

۱- در تعلیم و تربیت اسلامی حمایت از آزادی و بازی‌گوشی کودک امری پسندیده می‌باشد و از احادیث و روایات چنین استفاده می‌شود که وجود شیطننت و بازگوشی و حالت فعال و پرجنب و جوشی در کودک نشانه سلامت جسمی، ذهنی، عاطفی و روانی اوست و چنین کارهایی در هوش و استقامت او در بزرگسالی تأثیر دارد.

۲- متأسفانه بعضی از والدین کودکانی

به بازی و جست و خیز و ارتباط با هم‌سالان نیاز دارد و همه چیز را از دریچه‌های بازی می‌بیند. از احادیث و روایات اسلامی چنین استفاده می‌شود که وجود شیطننت و بازی‌گوشی و حالت فعال و پرجنب و جوش در کودک ناشی از سلامت جسمی، ذهنی، عاطفی و روانی اوست و چنین کارهایی - به ویژه برای پسران که از تحرک و انرژی بیش‌تری برخوردارند - امری طبیعی است و نباید موجب نگرانی والدین باشد بلکه باید با صبر و حوصله و تدبیر، این‌گونه رفتارها را تحمل کنند، هرچند باید آن‌ها را در مسیر صحیح خود هدایت کنند، تا این رفتارهای طبیعی آن‌ها به لاقیدی منتهی نشود. مثلاً درست است که کودک باید بازی کند اما

را می‌پسندند که آرام، ساکت و مطیع باشند تا موجبات زحمت و ناراحتی آنان را فراهم نکنند، این‌گونه والدین توقع و انتظار دارند که کودکان همانند بزرگسالان رفتار نماید در صورتی که کودک آنان میل و نیاز شدیدی به بازی و جست و خیز دارد و همه را از دریچه بازی می‌بیند.

۳- کودکانی که آرام و ساکت در گوشه‌ای بنشینند و مطیع و گوش به فرمان والدین باشند به احتمال قوی مشکل دارند. ۴- وظیفه والدین است که بستر و فضای مناسبی برای جست و خیز و آزادسازی انرژی عصبی و روانی کودکان فراهم نمایند و گرنه این انرژی متراکم شده به صورت مخربی خودش را نشان خواهد داد.

۵- از سیره عملی و دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام نیز چنین استنباط می‌کنیم که:
الف) طبیعت و ماهیت کودک را پاک و مثبت می‌دانستند.

ب) چون دارای سلامت روح و روان بودند، ادراکشان از جلوه‌های خداوندی بر مبنای سلامت روان بوده و بر همین اساس همه کودکان را که جلوه‌های خداوندی‌اند دوست داشته و کارهای آنان را منطبق با فطرت و طبیعت می‌دانستند.

ج) با توجه به آگاهی که از

خصوصیات و ویژگی‌های روحی و روانی کودکان داشتند، شیطنت و بازی‌گوشی آنان را امری طبیعی و فطری می‌دانستند.

د) ایشان حاضرند ثواب عبادات خود را (که بیش از پنجاه سال نماز شبشان ترک نشده و آن مناجات‌های عارفانه و عاشقانه‌ای که داشتند) با تحمل بازی‌گوشی کودک عوض نمایند.

و) دیدگاه و عملکرد ایشان واقعاً پیشرفته و در سطح بالایی است که با دیدگاه‌های روانشناسان معاصر هم جهت و هم‌سو است.

ه) ایشان بهترین و مطمئن‌ترین الگوی رفتاری برای خانواده‌ها در عصر حاضرند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- حجتی کرمانی، سید محمدباقر، سه گفتار پیرامون برخی از مسائل تربیتی اسلام، ص ۶۵
- ۲- بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۷۸
- ۳- منبع ۲، ص ۳۷۹
- ۴- بهشتی، احمد، اسلام و بازی کودکان، ص ۸۵
- ۵- مجله آشنا، ص ۳۰ به نقل از روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۶۳۱
- ۶- حجتی کرمانی، پیشین، ص ۶۶
- ۷- بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۷۹
- ۸- حجتی کرمانی، سید محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۲۵۲
- ۹- مستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۷
- ۱۰- اعرابی، فرشته، مجله سروش، ص ۲۰
- ۱۱- سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران، ج ۲، ص ۶۱ تا ۶۳
- ۱۲- ماسن، هنری و همکاران، رشد شخصیت کودک، ص ۱۶۵ (ترجمه مهشید یاسایی)